روزنامه شرق

هنر

آرتور شنیتسلر نویسنده وین است؛ گفت‌وگو با علی اصغر حداد — صفحه ۱۰

مروری بر کتاب «شکل نوشتنم هستم» از جواد مجابی — صفحه ۱۰

الجزایری‌ها تمایل به تکرار تجربه بهار عربی ندارند — صفحه ۱۲

آیا سریال‌های دنباله‌دار، مخاطب دارند؟

در مذمت سری دوزی

سریال دردسرهای عظیم

سریال ستایش

سریال پایتخت

سیدرضا صائمی

شاید امسال اولین‌بار است که دست‌کم با دو سریال مناسبتی در ماه رمضان مواجه هستیم که یکی سری دوم و دیگری سری چهارم آن است. این آخری یعنی مجموعه پایتخت درحالی به‌عنوان اولین سریال تلویزیونی که به سری چهارم رسیده است، به کارش ادامه می‌دهد که زمزمه‌های ساخت سری پنجم آن نیز به گوش می رسد. اینکه یک مجموعه تلویزیونی به سری چهارم خود برسد و همچنان هم مخاطب داشته باشد، یک موفقیت است آن‌هم در شرایطی که شاهد ریزش مخاطبان سریال‌های تلویزیونی به دلیل کیفیت پایین آن هستیم؛ اما همیشه هم دنباله‌دارشدن یک مجموعه نمایشی به معنای موفقیت آن نیست، مگر اینکه دلیل سری بعدی رضایت و تقاضای خود مخاطبان باشد. اتفاقی که دست‌کم درباره سریال پایتخت افتاده است. واقعیت این است که ساخت مجموعه‌های تلویزیونی به‌عنوان یک شکل از فیلم‌سازی و کارگردانی، تفاوتی با ساخت یک فیلم سینمایی یا تله‌فیلم ندارد. قصه هست و بازیگر و دوربین و کارگردانی. شاید بسیاری از کارگردان‌ها و سینماگران هم گمان کنند که ساخت مجموعه‌های نمایشی یا سریال برای تلویزیون، کاری دم‌دستی یا سهل است که هرکس از عهده آن برمی‌آید. حتی برخی معتقدند که برای حفظ شأن حرفه‌ای خود نباید به آن تن دهند؛ مثلا سریال‌سازی در حد و اندازه‌های آنان نیست. اما تجربه نشان داده است که بسیاری از کارگردان‌هایی که بنا به دلایل مختلف سراغ تلویزیون رفته و برای آن سریال ساخته‌اند، چندان موفق نبوده و بسیاری از آنها شکست خورده‌اند. البته این یک قاعده کلی نیست؛ مثلا حسن فتحی، هم در تلویزیون و هم در سینما، موفق بوده و به نوعی دوگانه‌ساز است. نتیجه بحث اینکه سریال‌سازی برای تلویزیون، تخصص ویژه و منحصربه‌فردی است که به شناخت مدیوم تلویزیون و روان‌شناسی مخاطبان آن و حد و مرزهای رسانه ملی نیاز دارد. زبان تلویزیونی برای جذب مخاطب قطعا با زبان سینما متفاوت است و بسیاری که تفاوت این دو را نمی‌دانند، نمی‌توانند در این عرصه موفق باشند.

اگر نگاهی اجمالی به مجموعه نام‌هایی بیندازیم که دست‌کم در دو دهه اخیر برای تلویزیون سریال ساخته‌اند، متوجه می‌شویم که معدودی از آنها توانسته‌اند به برندی در تلویزیون تبدیل شوند و کارهای آنها معمولا با استقبال خوب مخاطب همراه شده است؛ افرادی مانند سیروس مقدم، محمدحسین لطیفی، حسن فتحی و محمدمهدی عسگرپور. با وجود این، برخی معتقدند سریال‌سازی در تلویزیون در انحصار چند کارگردان و فیلمنامه‌نویس قرار دارد. به اعتقاد آنها، وقتی سریال‌سازی در انحصار تعداد مشخصی از کارگردانان باشد، به‌تدریج سوژه‌ها و شیوه بیان تکراری می‌شود. بنابراین صدا و سیما لازم است برای جلوگیری از ریزش مخاطبان خود به بازشدن فضای کار بپردازد و با سپردن کار به کارگردانان جدید، به فرم، مضمون و دیدگاه‌های تازه‌تری برسد.

به نظر می‌رسد این دیدگاه منطقی باشد، اما حضور پیوسته یا پرکار یک کارگردان در تلویزیون لزوما به معنای انحصارطلبی رسانه ملی یا آن کارگردان نیست. معیار در اینجا باید کیفیت عملکرد کارگردان و اثر و رضایت‌مندی مخاطبان باشد. شاید یکی از نام‌هایی که در این بحث همیشه به‌عنوان مصداق مطرح می‌شود، سیروس مقدم باشد که طرفدارانش او را به آقای سریال لقب می‌دهند و مخالفانش از سری‌دوزبودنش حرف می‌زنند، ولی واقعیت این است که سیروس مقدم بارها ثابت کرده که مخاطب تلویزیون را خوب می‌شناسد و می‌داند که باید چگونه او را سرگرم کند و پای تلویزیون بنشاند. درعین‌حال باید صدا و سیما بستر و فرصت لازم برای کارگردان‌های دیگر را نیز فراهم کند و با حمایت خود از چند کارگردان مشخص، خود را در معرض اتهام انحصارطلبی قرار ندهد. از یک سو، بسیاری از کارگردان‌ها نیز بوده‌اند که امتحان خود را به‌خوبی پس داده‌اند، اما حمایت لازم از آنها صورت نگرفته و شرایط ادامه همکاری با سازمان برای آنها فراهم نشده است.

مثلا همایون اسعدیان که مجموعه موفق «راه بی‌پایان» را در کارنامه خود دارد، چرا نباید بازهم سریال بسازد یا رامبد جوان که نخستین سریال ماه رمضانی به نام «گمگشته» و بعد کمدی متفاوت «مسافران» را با جلب تعداد زیادی از مخاطبان در کارنامه خود دارد؛ اکنون کجاست؟ حتی کسی مثل حسن فتحی که سریال‌های ماندگاری برای تلویزیون ساخته است، چرا دیگر سریال نمی‌سازد؟!

این سخن درباره سریالی‌شدن خود سریال‌ها نیز قابل‌تعمیم است؛ به این معنی که نه لزوما کارگردان که خود سریال به دلیل محبوبیت و استقبالی که از سوی مخاطب پیدا می‌کند، سریالی شده است و سری بعد آن نیز ساخته می‌شود؛ مثل «زیر آسمان شهر»، «هوش سیاه» و «پایتخت». در اینجا نیز باز کیفیت است که حرف اول را می‌زند و بهترین تبلیغ و دلیل استمرار کار کارگردان یا استمرار سریال است. به عبارت دیگر آنچه سریال‌سازی و سری‌دوزی را از هم متمایز می‌کند، کیفیت کار، تکراری‌نبودن فرم و مضمون و رضایت مخاطبان است. تا زمانی که کارگردان بتواند اثری ارائه کند که رضایت مخاطب را در بالاترین حد به همراه داشته باشد، باید شرایط استمرار فعالیت و ادامه همکاری او برای تلویزیون فراهم باشد که در غیر این صورت، فرصت‌سوزی اتفاق می‌افتد. اگرسری‌دوزی بد است، فرصت‌سوزی هم بد است و برای پرهیز از سری‌دوزی، نیاز است که استعدادهای مختلف غربال شود و آن که خالص‌تر است، بماند. سریال‌سازی برای تلویزیون می‌تواند چیزی شبیه کنکور باشد. کسی که در این آزمون پذیرفته شد، به مراحل بالاتر می‌رود و فرصت آموزشی بیشتری پیدا می‌کند؛ اما به این معنا نیست که دیگر آزمونی برگزار نشود.

باید پذیرفت که دنباله‌دارشدن یک سریال به معنای موفقیت آن است و باید آن را به فال نیک گرفت، به شرطی که دلیل این تدام برآمده از ذات و ساختار خود درام باشد، نه سیاست‌های مدیران تلویزیونی. اگر دلیل ادامه حیات یک سریال، خود مردم و مخاطبان باشند، ادامه یک سریال و دنباله‌دارشدن آن نه‌تنها یک دلیل منطقی که یک ضرورت رسانه‌ای است. خیلی سخت است و به خیلی از عوامل و مؤلفه‌ها بستگی دارد تا یک سریال تلویزیونی به‌واسطه جذابیت و محبوبیتی که پیدا کرده است، به سری بعدی خود برسد. امروزه معروف‌ترین و محبوب‌ترین سریال‌های تلویزیونی در جهان، آنهایی هستند که یا قسمت‌های طولانی دارند یا به سری چندم خود رسیده‌اند. درست مثل یک کتاب پرفروش که به چاپ چندم رسیده است، با این تفاوت که چاپ مجدد، تکرار همان اثر قبلی است که ممکن است گاهی با اضافاتی هم همراه شود؛ اما دنباله‌دارشدن یک سریال نه لزوما به معنای تکرار همان اثر که بازتولید آن است. تکرار نیست؛ بلکه تداوم است و اتفاقا همین قاعده رمز موفقیت یک سریال است؛ به این معنا که آن سریال در فضا، بستر، قصه و موقعیت جدیدی بازتولید شود، نه اینکه به تکرار خود تن دهد.

اگر از حیث تولید و ابزار و لوازم آن نیز به این موضوع بنگریم، باز یک سریال دنباله‌دار موفق هزینه کمتری هم برای تولیدکننده دارد، حتی از حیث محتوایی؛ بدین معنی که شخصیت‌ها و کاراکترها از قبل شناخته‌شده هستند و نیازی به معرفی و آشنایی‌زایی ندارند. ضمن اینکه می‌توان از آن به‌واسطه برِندشدنش بهره‌برداری اقتصادی هم کرد. خود همین برِندشدن یک سریال یا حتی یک برنامه به‌معنای برِندشدن تلویزیونی آن است که اعتبارات زیادی به همراه خواهد داشت. اکنون دست‌کم درباره سریال «پایتخت» می‌توان گفت که به مرحله برِندشدن رسیده و تا حد زیادی خیال تهیه‌کنندگان آن راحت است که با رضایت و بازخوردهای مثبتی مواجه خواهد شد.

برخی از مجموعه‌های دنباله‌دار البته به گونه‌ای روایت می‌شوند و قصه خود را به پایان می‌رسانند که می‌توان از دل آن به مجموعه بعدی رسید. این نقطه، نقطه بسیارحساسی است؛ چراکه برخی از مجموعه‌ها با اینکه از حیث دراماتیک قابلیت این را دارند که به سری بعد برسند اما این قابلیت صرفا از سوی نویسنده یا کارگردان شکل می‌گیرد؛ فارغ از اینکه برای مخاطب جذابیت‌های لازم را داشته باشد. برخی سریال‌ها باید در همان قسمت اول یا در اوج به پایان برسند، وگرنه در دام کش‌دارشدن و تکراری‌شدن می‌افتند و مهم‌تر از همه با این خطر مواجه می‌شوند که خاطره خوش خود را در ذهن مخاطب از دست بدهند. به همین دلیل، ساخت سری‌های بعدی دشوارتر است، چون خودش توقع مخاطب را بالا برده است و تماشاگر انتظار دارد در سری بعد دست‌کم اگر نه بیشتر ولی به همان اندازه سری قبلی، سریال جذابیت و کشش لازم را داشته باشد، وگرنه ممکن است شیرینی تماشای قسمت‌های قبلی نیز تلخ شود؛ همان‌طور که سری‌های دوم و سوم «زیر آسمان شهر» (مهران غفوریان) و «مرد دوهزار چهره» (مهران مدیری) نتوانستند توفیق سری قبلی خود را تکرار و حرف جدیدی عرضه کنند. به‌ویژه اینکه جلب رضایت مخاطب تلویزیونی به‌واسطه فراوانی و تنوع مخاطب خیلی سخت‌تر از سینماست.

به نظر می رسد تلویزیون به‌جای تولید آثار نمایشی تازه اما ضعیف به بازتولید سریال‌ها موفق دست می‌زند تا هزینه ساخت آن فوایدی هم برای مخاطب و هم عوامل اثر داشته باشد. یادمان باشد ساخت سریال‌های دنباله‌دار همان اندازه که واجد ظرفیت مخاطب‌پذیری بیشتر است، با خطر مخاطب‌گریزی هم همراه است؛ به شرطی که سریال بتواند بیش از هر چیز، مخاطب را راضی نگه دارد. سریال‌های دنباله‌دار همواره در نوسان این دو قطب قرار دارند؛ تکرار یا تداوم.

«دردسرهای عظیم۲» موفقیتش را تکرار می‌کند؟

مهناز حسنی: در تاریخ سریال‌سازی تلویزیون ایران، معدود سریال‌هایی بوده‌اند که بعد از موفقیت فصل اولشان تصمیم به ساخت فصل دوم آنها گرفته شده و توانسته‌اند بار دیگر موفقیت‌شان را تکرار کنند. «سریال پایتخت» از جمله سریال‌هایی است که می‌توان گفت از فصل اولش با توفیق مواجه شده است و توانسته در چهار فصل ساخته شود و راهی آنتن تلویزیون شود. اما در ماه مبارک رمضان، در کنار سریال «پایتخت»، سریال دیگری در قالب طنز به مخاطبان ارائه خواهد شد. «دردسرهای عظیم»، به‌کارگردانی برزو نیک‌نژاد سریالی است که از شبکه سوم سیما روی آنتن می‌رود و این بار مخاطبان رسانه ملی فصل دوم این مجموعه تلویزیونی را به تماشا می‌نشینند. مردادماه سال گذشته بود که فصل اول سریال «دردسرهای عظیم» از شبکه سوم سیما پخش شد. برزو نیک‌نژاد پس از سال‌ها تجربه در عرصه سینما و تلویزیون برای نخستین بار سریال مستقلی را کارگردانی کرد؛ سریالی که از همان ابتدا تکلیف مخاطبانش را مشخص کرد؛ مجموعه‌ای طنز و البته متکی بر طنز موقعیت که بیانگر دغدغه‌های اجتماعی است. حضور مهدی هاشمی، مریم سعادت، جواد عزتی و... نیز در ترکیب بازیگران سریال نوید سریالی متفاوت را می‌داد. این مجموعه در حین پخش با اقبال زیادی از سمت مخاطبانش روبه‌رو شد و از همان زمان هم صحبت‌هایی مبنی بر ادامه‌دارشدنش در فصل دوم وجود داشت، اما هیچ‌چیز قطعی نبود. از ماه‌های پایانی سال گذشته صحبت ساخت سری دوم این مجموعه وارد مرحله جدی‌تری شد و در نهایت به جدول پخش ماه رمضان رسید. برزو نیک‌نژاد و تیمش مدتی است در تدارک ساخت این مجموعه تلویزیونی هستند. بلوار ارتش و سوهانک، اصلی‌ترین لوکیشن‌های این سریال است. اکثر اتفاقات این سریال، مثل فصل پیش در یک خانه روایت می‌شود، خانه‌ای که در فصل دوم حال و هوای متفاوت‌تری پیدا می‌کند و اتفاقات عجیب‌تری رخ می‌دهد و شخصیت‌های جدیدی وارد این خانه می‌شوند. لطیف و بهار، دو شخصیت محوری داستان با بازی جواد عزتی و الناز حبیبی برای ازدواج دچار مشکلاتی هستند و فصل گذشته هم با کشمکش خانواده‌هایشان برای ازدواج به پایان رسید و در فصل دوم، قصه این دو بار دیگر از سر گرفته می‌شود. با این تفاوت که مهندس فرحان (مهدی هاشمی) خانه قبلی را به قصد بناکردن ساختمان جدیدی تخریب کرده و حالا شخصیت‌های قصه در منزل جدیدی سکونت یافته‌اند و بازیگران دیگری مثل امیرحسین صدیق، مه‌لقا باقری، حسین محب‌اهری و... نیز به جمع بازیگران سریال اضافه شده‌اند. علیرضا کاظمی‌پور و امیر عربی، به‌عنوان دو نویسنده این سریال برزو نیک‌نژاد را همراهی می‌کنند و هم‌زمان‌شدن نگارش فیلم‌نامه و تصویربرداری آثار مناسبتی نیز که سال‌هاست به رسم معمولی تبدیل شده است در این سریال نیز در جریان است.

رقابتی احساس نمی‌کنم

برزو نیک‌نژاد، کارگردان این مجموعه تلویزیونی که سریالش هم‌زمان با «پایتخت ۴» پخش می‌شود و هر دو دارای تم طنز هستند، در پاسخ به این پرسش که این رقابت را چطور می‌بینند، می‌گوید:«سال‌هاست آقای مقدم را می‌شناسم و در کنارش کار کرده‌ام، بنابراین احترام زیادی برای سیروس مقدم قائلم و اساسا فکر می‌کنم رقابتی بین این دو مجموعه وجود ندارد. هر دو این سریال‌ها در ساعت‌های متفاوتی پخش می‌شوند و قطعا هر کدام از آنها بیننده‌های خاص خودش را خواهند داشت و امیدوارم همه سریال‌ها خوب دیده شوند». کارگردان سریال «دردسرهای عظیم» با اشاره به شتابی که برای رساندن سریال به آنتن وجود دارد و تأثیرش در کلیت اثر، می‌گوید:«طبعا همه چیز طبق برنامه‌ریزی پیش نمی‌رود. ممکن است برخی موارد حتی باعث طولانی‌شدن زمان فیلم‌برداری خلاف چیزی که برنامه‌ریزی شده است، شود اما سعی می‌کنیم با در نظرگرفتن همه این موارد، خروجی مطلوبی داشته باشیم و همچنان با برنامه‌ریزی دقیق و با سرعتی که طبعا باید برای رساندن سریال داشته باشیم، کیفیت را در نظر بگیریم که از این جهت سریال آسیب نبیند».

نیک‌نژاد که با تسلط بیشتری نسبت به سری پیشین مجموعه کارگردانی آن را بر عهده گرفته است، معتقد است در فصل دوم، بیش از سری اول روی ساختار و محتوا کار شده است، تا با حال‌وهوای ماه مبارک رمضان نیز بی‌نسبت نباشد».

مهام: فصل دوم جذاب‌تر خواهد بود

مهران مهام، تهیه‌کننده نام‌آشنای تلویزیون نیز با توجه به ادامه‌دارشدن مجموعه «دردسرهای عظیم» در فصل دوم، از مرسوم‌بودن این نوع سریال‌سازی در دنیا می‌گوید و معتقد است اغلب سریال‌هایی که در فصل نخست به توفیق در جذب مخاطب دست یافته‌اند، ادامه می‌یابند و استقبال مردم از سری اول ما را برای ساخت فصل دوم مصمم‌تر کرد و تصور می‌کنم کیفیت ساختاری و محتوای فصل دوم به مراتب جذاب‌تر از فصل قبل برای مخاطب خواهد بود».

عزتی: ادامه ساخت سریال به مردم مربوط می‌شود

جواد عزتی از بازیگران عرصه طنز و از بازیگران محوری مجموعه نیز در پاسخ به این پرسش که پیش‌بینی‌اش نسبت به موفقیت فصل دوم سریال چیست؟ می‌گوید: «تمام تلاشمان را کردیم تا این فصل از سریال حتی از فصل قبل هم بهتر شود. ساخت و ادامه آن هم به مردم مربوط می‌شود».او درباره تفاوت‌های این فصل از مجموعه می‌گوید: «این را به یقین می‌گویم که از نظر متن، بازی‌ها، کارگردانی و... همه‌چیز بهتر از سری اول است. طبعا این وظیفه گروه است که وقتی استقبال مردم از فصل اول مجموعه را دیدند، همه‌چیز نسبت به فصل قبل باید بهتر باشد و درقبال مردم کار خود را به خوبی انجام بدهیم».

رجبی: هدف ما رضایت مخاطب است

مهران رجبی، دیگر بازیگر این سریال است. او هم معتقد است همه چیز در فصل دوم این سریال می‌تواند گویای موفقیت بیشتر آن از نگاه مخاطبان باشد. رجبی می‌گوید: «فکر می‌کنم از سری دوم هم به میزان فصل قبل استقبال خواهد شد، علاوه بر اینکه سریال حال‌وهوای جدیدتری پیدا کرده است. قصه سمت‌وسوی جدیدتری پیدا کرده و بازیگران جدیدی به پروژه اضافه شده‌اند که هرکدام از این اتفاقات می‌تواند به کیفیت کار اضافه کند. در نهایت تمام تلاشمان را برای رضایت مخاطبان انجام می‌دهیم و آنها هستند که باید به ما نمره بدهند».پخش سریال «دردسرهای عظیم۲» از ابتدای ماه مبارک رمضان از شبکه سه سیما آغاز شد و در ۲۶ قسمت مخاطبانش را همراه می‌کند. در نهایت باید دید این مجموعه تلویزیونی می‌تواند موفقیت فصل اولش را تکرار کند یا خیر؟

دریچه

سریال‌سازی ما حرفه‌ای نیست

اسماعیل عفیفه

کیفیت نه‌چندان مطلوب تولیدات تلویزیون و کم‌شدن مخاطب و عدم توجه مردم به رسانه ملی، دلایل متعددی دارد. شاید بخش کوچکی از این دلایل به کیفیت آثار برمی‌گردد. همه ما می‌دانیم چندسالی است نفوذ شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در خانه‌های مردم باعث ریزش بسیاری از مخاطبان رسانه ملی شده است. از سوی دیگر، بی‌توجهی تلویزیون به برنامه‌سازی در حوزه‌های مختلف ازجمله اخبار، سریال‌سازی و حتی برنامه‌های ترکیبی و... باعث کاهش بینندگان تلویزیون شده است. سریال‌های مناسبتی نیز از این قاعده مستثنا نبودند و در چندسال گذشته آن‌چنان که باید تلویزیون در این زمینه موفق عمل نکرده است. به نظر من تنها بخش کوچکی از این عدم موفقیت به کیفیت سریال‌ها مربوط می‌شود. امسال شاهد پخش سریال‌هایی هستیم که برخی از این آثار فصل‌های بعدی‌شان را تولید کرده‌اند. من بارها شده حسرت تمام‌شدن سریال‌هایی را خورده‌ام که با توجه به موقعیت شخصیت‌ها و داستان می‌توانستند تا مدت‌ها ادامه داشته باشند. در کشورهای دیگر برخی سریال‌ها که از ظرفیت روایتی خوبی برخوردار هستند، سال‌های‌سال ادامه پیدا می‌کند. اتفاقا در طولانی‌مدت سریال می‌تواند به بخشی از فرهنگ عمومی مردم تبدیل شود. در ایران سریال «شب‌های برره» از آن دست سریال‌هایی بود که می‌توانست سال‌ها ادامه پیدا کند. در این سال‌ها تنها موردی که حقیقتا مردم از فصل اول از آن استقبال کردند و ادامه‌دارشدنش جای خوشحالی دارد، سریال «پایتخت» است. از سوی دیگر تداوم ساخت یک سریال برای عوامل تولید یک سریال کار چندان ساده‌ای نیست. چراکه روش سریال‌سازی ما حرفه‌ای نیست. ما به‌جای اینکه تلاش کنیم تولیداتمان را به روش علمی انجام دهیم، با نوعی واکنش احساسی کار می‌کنیم. طبعا اگر در فصل اول سریالی شخصیت‌ها برای مردم دلنشین و دوست‌داشتنی باشند و مردم فضای داستان را دوست داشته باشند، در فصل‌های بعدی جذب مخاطب آسان‌تر است. در ایران عوامل مختلفی مانع ساخت سریال‌های دنباله‌دار می‌شود. یکی از این موارد به حوزه تولید آثار برمی‌گردد. در اینجا ابعاد حقوقی کارهای طولانی‌مدت نامشخص است. عوامل تولید و بازیگران توان این را که در طولانی‌مدت و مثلا برای چندسال متمادی به کاری متعهد باشند، ندارند. بسیار دشوار است که ما بتوانیم تیمی را برای مدتی طولانی در اختیار داشته باشیم. این ابهام در مورد هزینه‌ها، دستمزدها و بسیاری موارد دیگر نیز وجود دارد. در نتیجه برای تولید آثار طولانی ما در ابتدا باید تکلیف موارد این‌چنینی را روشن کنیم. از سوی دیگر اثری که مقبولیت خوبی بین مردم پیدا می‌کند، با منتقدان سرسختی هم مواجه می‌شود و اگر این نقدها از مجاری خاصی باشد، به‌ناچار تلویزیون عقب‌نشینی می‌کند. مثل «ساختمان پزشکان» که قرار بود به سریالی ادامه‌دار تبدیل شود، اما عملا در مواجهه با نقدهایی که از خارج از سازمان به عمل آمد، مدیران سیما عطای این سریال را به لقایش بخشیدند.

روزنه آبی

مورد عجیب سریال‌های دنباله‌دار

یزدان سلحشور

چندفصل‌شدن مجموعه‌های تلویزیونی، عوامل بسیاری دارد. یک بخش آن به انتخاب فیلم‌نامه و عوامل سازنده اثر برمی‌گردد و مشکلاتی که در این راه وجود دارد. در این فرایند معمولا به کارهای تازه چندان اعتماد نمی‌شود و سعی می‌شود به بخش‌هایی که پیش از این آزموده شده، اعتنا شود. حال در این فرایند برخی از انتخاب‌ها به‌اصطلاح جواب می‌دهد و مجموعه‌ای مثل «پایتخت» در سه فصل ادامه پیدا می‌کند و در هر بار ساخت و پخش، طیف زیادی از مخاطبان را با خود همراه می‌کند و از جهت کیفیت ساخت، به قوت فصل اول است. اما گاهی این اتفاق نمی‌افتد همچنان‌که در«مرد هزارچهره» به کارگردانی مهران مدیری، دیدیم که فصل اول مخاطبان زیادی داشت اما این موفقیت در فصل بعدی سریال تکرار نشد.

این اتفاق برای سریال «ستایش» هم رخ داد و همچنان‌که دیدیم، فصل اول این مجموعه با اقبال خوبی از سمت مردم مواجه شد اما فصل بعدی به قوت فصل اول نبود. شاید از جهت دیگر، این کاستی به سابقه عواملی که فصل‌های بعدی یک سریال پرمخاطب را می‌سازند، برمی‌گردد، مثلا در سریال «پایتخت» عوامل تولید و بازیگران تغییری نداشتند اما در سریالی مثل «ستایش» که می‌دانیم تفکر اولیه ساخت این سریال متعلق به زنده‌یاد ایرج قادری بود و طبعا ردپای او را می‌توان در ساخت سری اول مجموعه دید. شاید نتوانیم تمام تولیدات این سینماگر را موفقیت‌آمیز بدانیم، اما نمی‌توان این را کتمان کرد که او به‌اصطلاح نبض تماشاگر را در دست‌داشت و به کارش مسلط بود. در «ستایش۲» دیدیم با اینکه شاید کیفیت ساخت سریال از فصل پیشین هم بهتر بود، اما آن اتفاقی که منتظرش بودیم، رخ نداد و سریال نتوانست موفقیتش را تکرار کند. این اتفاق را می‌توان در سایر کشورها هم دید. سریال‌های اروپایی خیلی وارد کشورمان نمی‌شود و شاید مردم چنین سریال‌هایی را خیلی کم می‌بینند مگر سریال‌های انگلیسی، سریال‌های فرانسوی نیز که در ایران مشتری چندانی چه به‌صورت زیرزمینی یا روی زمینی ندارند. اما حتما نمونه‌هایی مثل سریال «شرلوک هلمز» یا «۹۹۱» را به‌خاطر دارید که ساخت فصل‌های بعدی آنها ادامه‌دار شد و با همان موفقیت نزد مخاطبانش روبه‌رو شد. اساسا ساخته‌شدن فصل‌های بعدی یک سریال پرطرفدار در بیرون مرزهای کشورمان، بیشتر به استقبال مخاطب برمی‌گردد؛ اینکه مخاطب از رسانه‌ها دیدن سریال محبوبش را طلب می‌کند و این رسانه است که باید به نیاز مخاطبش پاسخ دهد و معمولا ساخت فصل‌های بعدی یک سریال پرطرفدار، همچنان با اقبال مخاطب مواجه می‌شود. اما در تلویزیون ایران که ارتباط تلویزیون با مردم تقریبا یک‌طرفه است، دنباله‌سازی سریال‌ها مفهوم دیگری پیدا می‌کند و شاید مهم‌ترین دلیل این اتفاق، کمبود بودجه است.

طبعا وقتی سریال در ایران به فصل‌های چهارم یا پنجم می‌رسد، بودجه کمتری برای ساخت به آن اختصاص می‌دهند، چراکه این سریال دیگر هزینه گزافی برای دکور و خیلی از مسائلی که برای ساخت فصل اول مجموعه مورد نیاز بوده، احتیاج ندارد، بنابراین ساخت فصل‌های بعدی سریال برای تلویزیون مقرون‌به‌صرفه‌تر است. در حالی که روند سریال‌سازی در دنیا به هیچ‌وجه این‌طور نیست، مثلا اگر بودجه ساخت سریالی در آمریکا B است این بودجه تا ساخت فصل سوم سریال به رده بودجه «A» می‌رسد و گاهی اوقات هزینه ساخت آن به رقمی بالای صد میلیون دلار می‌رسد، یعنی هزینه ساخت یک مینی‌سریال تقریبا برابر هزینه ساخت یک فیلم متوسط روبه بالا است. در صورتی که در سریال‌سازی تلویزیون ایران به هیچ‌وجه چنین اتفاقی نمی‌افتد.

البته بخش دیگری هم درباره اینکه چرا معمولا سریال‌سازی دنباله‌دار در ایران دچار کاستی است، وجود دارد و آن هم این است که معمولا در ایران مدیران مدام در حال جابه‌جایی و تغییر بوده و دائما زیر ذره‌بین صاحبان قدرت و سیاست هستند و از بسیاری جهات دستشان بسته است.

آنها می‌دانند که دست‌زدن به یک کار جدید می‌تواند عده‌ای را در مقام منتقد قرار دهد و سعی می‌کنند دراین‌میان کاری را انجام دهند که حداقل از تیغ تیز گزند در امان باشند و احتیاط را به خرج می‌دهند و ریسک کمتری می‌کنند. یکی از نمونه‌های ساخت سریال در ایران که طبعا بدون توجه به نیاز و نظر مخاطب سه سال پیاپی ادامه‌دار شده و همچنان روند تولید را ادامه می‌دهد، سریال «شاید برای شما اتفاق بیفتد» است.

نمی‌دانم چند نفر از مردم پای ثابت دیدن این سریال هستند؟ اما این سریال با یک فرمول یکسان و تنها با تغییر کارگردان در حال ساخته‌شدن است. این سریال از آن‌دست نمونه‌هایی است که می‌توان در موردش گفت مضمونی را به‌تصویرمی کشد که از صاحبان قدرت، کسی به آن معترض نمی‌شود و مضامین اخلاقی را مطرح می‌کند و به‌اصطلاح جوان‌ها را به راه راست هدایت می‌کند. علاوه‌بر اینکه هزینه پایینی نیز به جهت تولید دارد و عجیب اینجاست سریالی که رده بودجه بسیار پایینی دارد، در ساعت پیک تلویزیون پخش می‌شود. بنابر این تحلیل، روند دنباله‌دارشدن سریال‌ها در تلویزیون ایران، روند جالب و گاهی عجیبی دارد که قابل بررسی است.